

Effects of Corporate Governance and Management Overconfidence on Tax Avoidance of Firms in the Life-cycle Stages

Mohammad Reza Abaszadeh¹, Mohsen Maftounian², Morteza Fadaie³, Maedeh Babaie Kelarijani⁴

Received : 2018/04/21

Approved: 2018/08/18

Research Paper

Abstract

In the line of analyzing the role of the corporate governance mechanism and behavioral characteristics of managers in corporate financial reporting, this study examines the effects of management overconfidence and governance regime on the tax avoidance considering the lifecycle. The sample consists of 104 firms during the period from 2011 to 2015. Institutional ownership mechanisms and the board independence are used as proxies for corporate governance. Also, to measure management overconfidence, Sherand & Zechman (2012) surplus criteria and to calculate tax avoidance the effective tax rate (ETR) are used. Firms are divided into growth, maturity and decline stages, according to Park and Chen (2006). Results show that there is a significant difference between the institutional ownership of corporate governance mechanisms and the management overconfidence on tax avoidance in the stages of growth, maturity and decline. However, there is no relation between the board's independence of corporate governance mechanisms and tax avoidance, according to Paternoster test.

Keywords: tax avoidance, corporate governance, overconfidence management, life cycle

JEL classification: D91, E32, G23, M41.

DOI: 10.22051/jera.2018.19875.2004

¹ Associate Professor of Accounting, Ferdosi university, Mashhad, Iran, (abbas33@um.ac.ir)

² MSc of Accounting, Azad university, Mashhad, Iran, corresponding author, (M.Maftounian@yahoo.com)

³ MSc of Accounting, Azad university, Mashhad, Iran, (Mortezafadaei91@gmail.com)

⁴ MSc of Business Management, Azad university, Babol, Iran, (Babaei_Ma@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر

محمد رضا عباس زاده*، محسن مفتونیان**، مرتضی فدائی***، مائده بابائی

کلاریجانی****

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۷

مقاله پژوهشی

چکیده

در راستای تجزیه و تحلیل نقش سازوکار حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های رفتار مدیران در گزارشگری مالی شرکت‌ها، پژوهش حاضر به بررسی اثر اطمینان بیش از حد مدیریت و نظام راهبری بر اجتناب از پرداخت مالیات با توجه به نقش چرخه عمر می‌پردازد. برای دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۰۴ شرکت با روش نمونه‌گیری حذفی به عنوان نمونه پژوهش برای دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ انتخاب گردید. برای حاکمیت شرکتی از مکانیزم‌های مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره استفاده شد. همچنین برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی مدیریت از معیار مازاد سرمایه‌گذاری شرانند و زچمن (۲۰۱۲) و در محاسبه اجتناب از پرداخت مالیات نیز از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شد. شرکت‌های مورد بررسی طبق الگوی پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول تقسیم شدند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت‌مدیره از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با توجه به آزمون آماری پترنوستر یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، بیش‌اطمینانی مدیریت، چرخه عمر.

طبقه‌بندی موضوعی: D91, E32, G23, M41.

DOI: 10.22051/jera.2018.19875.2004

*دانشیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (abbas33@um.ac.ir)

**کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). (M.Maftounian@yahoo.com)

***کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (Mortezafadaei91@gmail.com)

****کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (Babaei_Ma@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

بدلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات و قوانین و ساز و کار مربوط به آن از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۸)، به طوری که از یک سو هزینه اجباری تلقی شده و از سوی دیگر بر نحوه سرمایه‌گذاری و همچنین تأمین مالی شرکت‌ها اثر می‌گذارد (دسائی و دارماپالا، ۲۰۰۹). به همین جهت، یکی از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که شرکت‌ها دنبال می‌نمایند، کاهش هزینه مالیات است. سهامداران به اندازه‌ای که از فعالیت‌های کاهش هزینه مالیات توسط مدیران خشنود می‌شوند، نگران پیامدهای ریسک مالیاتی از جمله پرداخت مالیات بیشتر در آینده، جرایم مالیاتی و... نیستند. در ادبیات مالی کشورهای غربی، تلاش و راه کارهای قانونی شرکت به منظور کاهش مالیات را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). اجتناب مالیاتی را می‌توان به طور کلی استفاده از پیچیدگی‌ها، تکنیک‌ها و شکاف در قوانین مالیاتی در نظر گرفت که با کاهش هزینه‌های شرکت، منجر به انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود (داولینگ، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۰). انتقال ثروتی که ممکن است در رابطه با تحقق جریان‌های نقدی آتی آن ابهاماتی وجود داشته باشد. مرور ادبیات اجتناب مالیاتی نشان می‌دهد در بیشتر پژوهش‌ها به این اقدام مدیران به عنوان فعالیتی مخاطره‌آمیز نگریده شده که بر شفافیت (دسائی و همکاران، ۲۰۰۷)، عملکرد آتی (رجو و ویلسون، ۲۰۱۲)، ارزش شرکت (کیم و همکاران، ۲۰۱۰)، کیفیت سود (آتوود و همکاران، ۲۰۱۰)، اعلان سود (کراتبری و کاییک، ۲۰۱۲)، اعتماد اجتماعی (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۳) و ریسک شرکت (گوئنتر و همکاران، ۲۰۱۴) تأثیر منفی می‌گذارد. سیاست مالیاتی جسورانه یک راه قانونی با استفاده از خلأهای موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها هست. از آنجا که عوامل مختلفی باعث سیاست مالیاتی جسورانه و اجتناب مالیاتی می‌گردد، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد.

ساز و کار حاکمیت شرکتی از جمله عواملی است که می‌تواند بر فعالیت‌های مالیات اثر بگذارد. نظام راهبری شرکتی به عنوان مجموعه‌ای از ساز و کارهای کنترلی درون و برون

شرکتی تعریف می‌شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره را از سوی دیگر بر عهده دارد، در نتیجه می‌توان انتظار داشت ضمن رعایت حقوق کلیه ذینفعان از جمله دولت، اجتناب مالیاتی نیز در این شرکت‌ها کمتر شود؛ اما فراتر از چارچوب مالی استاندارد، بسیاری از پژوهش‌ها در چارچوب ادبیات مالی رفتاری مدرن نشان می‌دهند که عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیری‌های رفتاری، بر اثر گذاری اجتناب مالیات نقشی مهم ایفاء می‌کند (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از فراگیرترین این سوگیری‌ها (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۶)، بیش‌اطمینانی است که سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد در حالی که ممکن است در واقعیت این گونه نباشد (فروغی و نخبه‌فلاح، ۱۳۹۳). شراند و زچمن (۲۰۱۲) عنوان کردند که بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود، تحریف در صورت‌های مالی را به دنبال خواهد داشت. این تحریف می‌تواند از روی عمد یا غیرعمدی باشد. براساس نظر آن‌ها بیش‌اطمینانی با خوش‌بینی هدفدار در ارتباط است که موجب می‌شود مدیران تحریف عامدانه انجام دهند و در نتیجه شرکت در سراسیمگی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد. در مطالعات قبلی تأثیر عواملی همچون ویژگی‌های اقتصادی کمتر بررسی شده است. یکی از این ویژگی‌ها چرخه عمر واحد تجاری است.

طبق نظریه چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای رفتارهای و سیاست‌های خاصی هستند که بر اطلاعات حسابداری و نحوه گزارشگری شرکت‌ها منعکس می‌شود (دهدار، ۱۳۸۶). با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در رابطه با اجتناب مالیاتی، تاکنون هیچ پژوهشی به طور همزمان به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب و اثر چرخه عمر شرکت بر این رابطه نپرداخته است، آنچه که در این پژوهش منجر به ایجاد سؤال شده این است که آیا حاکمیت شرکتی و اعتماد بیش از حد مدیران با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارند یا خیر؟ همچنین چرخه عمر شرکت می‌تواند بخشی از رابطه میان نظام راهبری، بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب مالیاتی را تبیین نماید؟ در ادامه این نوشتار، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. سپس فرضیه‌ها و روش پژوهش مطرح می‌گردد. پس از آن متغیرهای پژوهش و یافته‌های بدست آمده از

تجربه و تحلیل اطلاعات مطرح می‌شود. نتیجه‌گیری و پیشنهادها نیز پایان بخش این نوشتار خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مالیات یک مبحث راهبردی، زیربنایی و پویاست که نقش اساسی و محوری در تحقق برنامه‌های توسعه ملی هر کشوری مانند کشور ما ایفاء می‌کند. امروزه مالیات جدا از نقش اصلی خود یعنی تأمین بخشی از هزینه‌ها، به عنوان یک اهرم تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های انبساطی و انقباضی دولت در بودجه‌بندی بخش‌های مختلف کشور مورد توجه است، بنابراین لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی برای توسعه همه‌جانبه کشور بیش از پیش احساس می‌شود. در کشورهای درحال توسعه، به طور معمول ۲۱ درصد یا بیشتر از درآمد بالقوه مالیاتی، وصول نمی‌شود (برد، ۱۹۹۲). در اقتصاد نوظهور ایران نیز، اجتناب مالیاتی، می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است. اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. براساس تعریف اسلمرد (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می‌شود. اجتناب و فرار مالیاتی، توان رقابتی عوامل اقتصادی را به نفع آن‌هایی که مالیات نپرداخته‌اند، تغییر می‌دهد و از این بابت شکاف بین گروه‌های مختلف درآمدی را بیشتر خواهد کرد. چنانچه برای پیشگیری از فعالیت‌هایی که منجر به عدم پرداخت مالیات می‌شود چاره‌اندیشی نشود، ممکن است، افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند و به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، به تدریج مقبولیت عمومی یافته و گسترش یابد. بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، تفکیک مالکیت از مدیریت به این موضوع اشاره دارد که اگر اجتناب مالیاتی یک فعالیت ارزشمند تلقی گردد، بنابراین مالکان انگیزه بالایی دارند تا اطمینان حاصل کنند که مدیران تصمیمات مالیاتی کارآمد گرفتند. منظور از تصمیمات مالیاتی کارآمد، تصمیمات مالیاتی شرکت است که ثروت بعد از مالیات مالکان را افزایش می‌دهد اما هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌تواند به موانعی در جهت اتخاذ تصمیمات مالیاتی کارآمد تبدیل شود. بنابراین بر طبق دیدگاه نمایندگی، اجتناب مالیاتی

همیشه موجب افزایش ثروت سهامداران خارجی نمی شود. گرچه اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ارزش شرکت می شود، اما بکارگیری استراتژی‌های پیچیده و مبهم مالیاتی مربوط به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی این فرصت را برای مدیران فراهم می‌سازد تا به هزینه سهامداران به سودجویی‌هایی دست بزنند و اقداماتی مبنی بر عدم افشاء و نگهداری اخبار بد در داخل شرکت انجام دهند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). در دیدگاه نمایندگی اجتناب مالیاتی، این گونه استدلال می‌شود که مدیران فرصت طلب، روش‌ها و تکنیک‌های اجتناب مالیاتی را بیشتر با هدف افزایش منافع مدیریتی انجام می‌دهند تا افزایش منافع سهامداران (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). برای محافظت در آمد در مقابل متصدیان مالیات، مدیران اغلب تلاش می‌کنند که هدف و نیت اصلی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را مخفی کنند. ویژگی مبهم بودن اجتناب مالیاتی می‌تواند نقش یک سپر را برای مدیران ایفا کند و به نظر می‌رسد که مدیران با استفاده از ساختارهای پیچیده اجتناب مالیاتی می‌توانند رفتارهای فرصت طلبانه خود را پنهان سازند (دسای، هوگان و ویلکینز، ۲۰۰۶). بنابراین، براساس دیدگاه نمایندگی اجتناب مالیاتی، اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران نیست. عدم شفافیت شرکت نیز می‌تواند زمینه‌ای برای مدیران فرصت طلب فراهم کند تا به هزینه سهامداران به منافع شخصی خود دست پیدا کنند و این موضوع می‌تواند عاملی برای سرمایه‌گذاران باشد تا بتوانند به میزان ارتباط بین اجتناب مالیاتی و اقدامات سودجویانه مدیران پی ببرند. نتایج تحقیق انجام شده توسط وانگ (۲۰۱۰) تأییدی بر این موضوع است. برطبق یافته‌های وانگ، وجود یک رابطه مثبت بین عدم شفافیت و اجتناب مالیاتی بیان‌کننده این مطلب است که اجتناب مالیاتی به احتمال زیاد با اقدامات سودجویانه، در ارتباط است. فقدان وجود جزئیات در گزارش‌های مالیاتی که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، قضاوت و درک سهامداران را در خصوص ماهیت فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و میزان دخالت این فعالیت‌ها در اقدامات سودجویانه، مشکل می‌سازد. این مشکلات با پیچیدگی قوانین مالیاتی و حذف عمدی جزئیات در گزارش‌های مالی از سوی مدیریت تشدید می‌شود. به منظور جلوگیری از بررسی دقیق این فعالیت‌ها توسط متصدیان مالیاتی، مدیران سطح مالیات افشاء شده و جزئیات مالیاتی را تا جایی ارائه می‌دهند که نشان‌دهنده این فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با هدف افزایش ثروت سهامداران انجام شده است (وانگ، ۲۰۱۰).

هیئت‌مدیره مهم‌ترین عامل در کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران، کاهش هزینه نمایندگی و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از مباحث مطرح شده در زمینه هیئت‌مدیره، بر مسأله ترکیب هیئت‌مدیره تمرکز دارد. ترکیب هیئت‌مدیره به عنوان نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره ۹۹ نگریسته می‌شود، البته در ارتباط با چگونگی ترکیب هیئت‌مدیره نظرات مغایری وجود دارد. ادبیات موجود بیانگر آن است که ترکیب هیئت‌مدیره با میزان مسأله نمایندگی مرتبط است. نتیجه این ادبیات بیانگر آن است که شرکت‌های با هیئت بزرگ‌تر و مدیران داخلی بیشتر، تمایل بیشتری به مسئله نمایندگی دارند، برعکس مؤسسات تجاری با هیئت‌های کوچک و درصد بیشتر مدیران غیرموظف، با رفاه سهامداران و عملکرد مؤسسه تجاری ارتباط بیشتری دارند. هیئت‌مدیره با اندازه کوچک‌تر آسان‌تر می‌تواند مدیریت را در تخصیص و تسهیم دارایی‌ها برای مدیریت مالیات متقاعد کند، هرچه ترکیب هیئت‌مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می‌گردد. برخلاف مدیران موظف، مدیران غیرموظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود مؤثرتر عمل می‌نمایند، بنابراین ترکیب هیئت‌مدیره یکی از عوامل اثرگذار بر مالیات می‌باشد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). از این رو، از دیدگاه نظری هنگامی که هیئت‌مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیرموظف تشکیل شده باشد، فرار و اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر، در ادبیات حاکمیت شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می‌شوند. سهامداران نهادی، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود. سهامداران نهادی که ثروت و منابع مالی زیادی در اختیار دارند، نسبت به سایر سهامداران در بدست آوردن و استفاده از اطلاعات گران‌بها، بموقع و مربوط‌تر، گرایش بیشتری دارند، بنابراین می‌توانند مانع سیاست‌ها و فعالیت‌های مدیران در استفاده از مدیریت سود فرصت‌طلبانه شوند (بوشی، ۱۹۹۸). این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند نقش اساسی در ارتقاء سیستم حاکمیت شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت ایفاء کنند. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) به این نکته اشاره می‌کنند که وجود سهامدار بزرگ، سبب کاهش مسئله نمایندگی در سازمان می‌شود، در نتیجه

می‌توان انتظار داشت افزایش سهامداران نهادی، موجب کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود.

از دیدگاه نظری، فرضیه سلسله مراتب بالاتر همبرینگ و مپسون (۱۹۸۴) بیان می‌کند خصوصیات مدیران ارشد، سبک تصمیم‌گیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این ویژگی‌های جالب مدیریتی، اطمینان بیش از حد است. روانشناسان به این نتیجه رسیدند افرادی که اطمینان بیش از حد دارند، امکان موفقیت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، موفقیتشان را مدیون توانایی‌های خود می‌دانند و نقش شانس و عوامل خارجی را در این امر کمتر از حد ارزیابی می‌کنند (ون و همکاران، ۲۰۰۷). اطمینان بیش از حد ویژگی شخصی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادهای غیرواقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی‌اطمینانی تعریف شود، در این صورت در برآورد میانگین اغراق خواهد شد (اسکالا، ۲۰۰۸). در شرکت‌ها، اطمینان بیش از حد مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای پیش‌بینی بسیار مثبت نتایج یا تخمین بیش از حد احتمال وقوع نتایج، تعریف می‌شود (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). مدیری که اطمینان بیش از حد دارد، به‌طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زند یا به‌یانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند (هیتن، ۲۰۰۲)، بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که اطمینان بیش از حد دارند، مخارج سرمایه‌های بیشتری داشته باشند (بن و همکاران، ۲۰۱۰) و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). به سبب این افزایش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای (دارایی‌های ثابت) هزینه استهلاک افزایش می‌یابد، هزینه‌ایی که به سود کمتر و هزینه مالیات کمتر می‌انجامد. همچنین افزایش سرمایه‌گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می‌شود.

این افزایش در هزینه‌های عملیاتی سبب می‌شود درآمد مشمول مالیات شرکت کمتر شود و در نهایت، هزینه مالیات شرکت کاهش یابد. اطمینان بیش از حد مدیریتی سبب تخمین بیش از حد بازده خالص ارزش فعلی جریان‌های نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود. در واقع اطمینان بیش از حد مدیریتی، از طریق تخمین بیش از حد صرفه‌جویی مالیاتی

در برنامه‌ریزی مالیاتی، تخمین کمتر از حد هزینه‌های تحمیل شده ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی یا ترکیبی از این دو، میزان سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات کاه را افزایش می‌دهد و به افزایش اجتناب مالیاتی منجر می‌شود (چایز و همکاران، ۲۰۱۴).

یکی از ویژگی‌های اقتصادی شرکت، چرخه عمر شرکت است. طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر، از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند، بدین معنی که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد (زو، ۲۰۰۷). تئوری چرخه عمر شرکت چنین فرض می‌کند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی همچون تمامی موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای منحنی چرخه عمر هستند. از یک طرف در هر مرحله از چرخه عمر با مشکلات ویژه آن مرحله مواجه هستند و از طرف دیگر در هنگام انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر با مسائل و مشکلات ویژه مواجه می‌باشند. واحدهای تجاری اصولاً در روند حرکتی خود پیوسته با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شوند که عمدتاً به وسیله نیروهای داخلی قادر به حل آن نبوده و برای رفع آن دخالت حرفه‌ای بیرون از سازمان اجتناب‌ناپذیر می‌گردد (تاناتاوی، ۲۰۱۱). به طور کلی، تفاوت اساسی بین شرکت‌های جوان و شرکت‌های به بلوغ رسیده مربوط به بزرگ بودن شرکت‌های به بلوغ رسیده نیست، بلکه مربوط به مسن بودن، با ثبات تر بودن (بالا بودن قابلیت کنترل و پایین بودن ریسک)، سودآوری بالاتر، فرصت‌های رشد کمتر و پیشینه اعتباری بهتر شرکت‌های به بلوغ رسیده است (یوتامی و اینانگا، ۲۰۱۲). براساس نظریه پارک و چن (۲۰۰۶)، شرکت‌ها براساس چرخه عمر به سه دسته درحال رشد، بالغ و درحال افول تقسیم می‌شوند. ویژگی‌های اصلی این سه مرحله به شرح زیر می‌باشند:

مرحله رشد: در این مرحله واحد تجاری به دلیل مواجه با رشد فروش و سودهای غیرقابل پیش‌بینی ناشی از ابهام در میزان تقاضای محصولات، ریسک تجاری بالاتری را متحمل می‌شوند. در این مرحله، واحد تجاری فعالانه به دنبال طرح‌های توسعه بوده و به سرمایه‌بیشتری برای دستیابی به مزایای بلندمدت رقابتی و محصولات جدید نیاز دارد.

مرحله بلوغ: ریسک تجاری در مرحله بلوغ معمولاً از مراحل دیگر چرخه عمر کمتر است.

با توجه به این که واحد تجاری به طور گسترده‌ایی به ثبات رسیده است، در مرحله بلوغ ظرفیت سرمایه‌گذاری اولیه برای پاسخگویی به تقاضای بالای بازار، کافی بوده و از این رو، واحد تجاری جریان‌های نقدی بیشتری ایجاد خواهد کرد.

مرحله افول: معمولاً واحد تجاری در این مرحله با کاهش فروش، جایگزینی فناوری و محصولات روبرو می‌شود. در این مرحله، معمولاً به خاطر فرصت‌های محدود سرمایه‌گذاری و همچنین افت کلی بازار و زیان عملیات، پایین است. با وجود اهمیت ساز و کار اصول راهبری برای کنترل شرکت‌ها در طول عمر و حیات آن‌ها و تفاوت تصمیم‌گیری، فعالیت سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مدیران در هر یک از مراحل مختلف چرخه عمر احتمالاً بر میزان اجتناب مالیات شرکت در هر مرحله تأثیر می‌گذارد. در ادامه برخی از پژوهش‌های مهم در زمینه این پژوهش ارائه می‌شود:

دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اعتماد به نفس کاذب مدیریتی و مدیریت ریسک شرکت‌های بزرگ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که اعتماد به نفس کاذب مدیریتی بر تصمیم‌گیری مدیریت بر ریسک شرکت‌های بزرگ نیز تأثیر می‌گذارد.

چایز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان اطمینان بیش از حد مدیریتی و اجتناب مالیاتی به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می‌گذارد، از دیگر نتایج اطمینان بیش از حد مدیریتی، کاهش نرخ مؤثر مالیات نقدی به ۶/۶ درصد و افزایش ۱/۵ درصد تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات می‌باشد.

کیم و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ماهیت پیچیده و غیرشفاف فعالیت‌های اجتناب از مالیات، امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه را به مدیریت می‌دهد و هزینه‌های نمایندگی را بالا می‌برد، از این رو فعالان بازار سرمایه به این فعالیت‌ها واکنش مثبتی نشان نمی‌دهند.

چن و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین چرخه عمر شرکت و رویکرد حسابداری دارایی‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش وی بیانگر این بود که بر مبنای رویکرد مبتنی بر

منابع، مالکان و مدیران شرکت می‌توانند با مدیریت و انباشته کردن منابع (دارایی‌های مشهود و نامشهود) کمیاب و ارزشمند، مزیت‌های رقابتی را برای شرکت به وجود آورند.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران (اعتماد به نفس کاذب) و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنان با استفاده از ۲۱۱ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیران، ریسک سقوط قیمت سهام را به طور معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد، همچنین بر شدت رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام می‌افزاید.

عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش‌اطمینانی مدیران سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرآیند گزارشگری مالیاتی می‌شود.

نتایج پژوهش سرلک و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که علی‌رغم تفکیک چرخه عمر شرکت‌ها به مراحل رشد، بلوغ و افول، تفاوتی در نحوه تأمین مالی آن‌ها مشاهده نشد.

شرکت‌ها در هر سه مرحله از چرخه عمرشان تأمین مالی از طریق بدهی را ترجیح می‌دهند، به عبارت دیگر، شرکت‌ها در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود از تنوری سلسله‌مراتبی پیروی می‌کنند.

حبیب‌زاده زرنندی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان می‌دهد یک رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد که منابع حاصله از اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد، علاوه بر این، نتایج حاکی از این است که نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره با بدهی شرکت ارتباطی نداشته و این نسبت بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی تأثیر معناداری ندارد. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده عملکرد ضعیف اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی باشد.

پژوهش خدای‌پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) نشان داد بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی رابطه منفی وجود دارد. این رابطه منفی حاکی از آن است که اثر مناسب مالیاتی ناشی از

اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به منزله بدهی شرکت به کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند جانشین استفاده از بدهی باشد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این بود که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت با اجتناب مالیاتی طی مراحل چرخه عمر است. از این رو، با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۲. بین نسبت مالکان نهادی و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۳. بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۴. بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
۵. بین نسبت مالکان نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
۶. بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بوده و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین، این پژوهش از نوع استقرایی و پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین

استخراج شده است. همچنین با استفاده از روش‌های آماری تحلیل همبستگی، آماره VIF و الگوی داده‌های تابلویی (پنل دیتا) فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۴ شکل داده است. تعداد نمونه مورد مطالعه در مجموع ۱۰۴ شرکت است که با مدنظر قرار دادن معیارهای زیر انتخاب شدند:

۱. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و مؤسسه‌های واسطه‌گری مالی از نمونه آماری حذف می‌شوند. این حذف به دلیل موقعیت خاص محیط گزارشگری این شرکت‌هاست،
۲. شرکت‌ها طی دوره پژوهش به طور مستمر و مداوم عضو بورس باشند،
۳. به دلیل قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت باید منتهی به پایان اسفند باشد،
۴. شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد،
۵. اطلاعات کامل و تفصیلی صورت‌های مالی سالانه هر یک از شرکت‌ها و نیز اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای پژوهش در پایان سال مربوط در تمام طول دوره مورد بررسی موجود باشد.

با اعمال محدودیت‌های ذکر شده، تعداد ۱۰۴ شرکت از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه انتخاب گردید. در گام بعدی، نمونه اولیه براساس مدل ارائه شده توسط پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی گردید. براساس معیارهای فوق، از ۵۲۰ سال-شرکت که به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند، ۴۳۷ سال-شرکت در مرحله رشد، ۵۷ سال-شرکت در مرحله بلوغ و ۲۶ سال-شرکت در مرحله افول قرار گرفتند. علت طبقه‌بندی آماری به مراحل مختلف چرخه عمر در سطح سال-شرکت این است که انتقال شرکت‌های نمونه از یک مرحله چرخه عمر به مرحله دیگر در طی دوره زمانی مورد بررسی، مدنظر قرار گیرد. جهت بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی در هر یک از مراحل چرخه عمر مدل (۱) استفاده می‌شود:

$$\text{Tax Avoidance} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overconfidence} + \beta_2 \text{Institutional Owners} + \beta_3 \text{Indep} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{Mbv} + \beta_6 \text{Lev} + \beta_7 \text{Cash} + \beta_8 \text{Roa} + \varepsilon \quad (1)$$

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

اجتناب از مالیات (Tax Avoidance): هانلون و هتزمان (۲۰۱۰) بیان کردند که تعریف و اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات (جسورانه بودن مالیات) مشکل است. در این پژوهش به پیروی از دیرینگ و همکاران (۲۰۰۹) از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) استفاده شده است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{\text{Total Tax Expense}_{i,t}}{\text{Per Tax Income}_{i,t}} \quad (۲)$$

که در رابطه فوق $\text{Total Tax Expense}_{i,t}$ کل هزینه مالیات شرکت i در سال t و $\text{Per Tax Income}_{i,t}$ بیان کننده سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است.

متغیرهای مستقل و نحوه محاسبه آن‌ها

$\text{Overcon}_{i,t}$: بیانگر اطمینان بیش از حد مدیریتی شرکت i در سال t است. با توجه به این که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است، در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) و شراند و زچمن (۲۰۱۲) برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی (Overcon) از معیار $\text{Over Inv}_{i,t}$ (مازاد سرمایه‌گذاری) استفاده شده است. این شاخص که میزان سرمایه‌گذاری‌های مازاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی کل بر رشد فروش که برای هر صنعت - سال جداگانه برآورد می‌شود، به دست می‌آید. اگر خطای باقیمانده رگرسیون شرکتی بزرگ‌تر یا مساوی صفر باشد، بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت تأیید می‌شود و به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و چنانچه خطای باقیمانده رگرسیون شرکتی منفی باشد، گویای عدم اطمینان بیش از حد مدیران در آن شرکت است و عدد صفر می‌گیرد. بهره‌گیری از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به همتای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

$$\text{Asset} \times \text{GR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Sale} \times \text{GR}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

سهامداران نهادی (INST): به اشخاص حقیقی و حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه‌گذاری، نهادهای

عمومی غیردولتی و یا سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند. مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۲۸ هیئت‌مدیره سازمان بورس درخصوص تعرف سهامدار نهادی به شرح ذیل است: سرمایه‌گذاران نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا عبارتند از: بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند؛ سازمان و نهادهای دولتی و عمومی، شرکت‌های دولتی، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز، برای تهیه اطلاعات مربوط به سهامداران نهادی مطابق این مصوبه عمل گردید.

نسبت استقلال هیئت‌مدیره (BI_{i,t}): عضو غیرموظف (مستقل) حضور فیزیکی در شرکت ندارد و فقط در تصمیم‌سازها و تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کند. در این پژوهش نسبت استقلال هیئت‌مدیره از طریق تقسیم اعضای غیرموظف به کل اعضاء بدست می‌آید که از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$BI = \frac{NED}{TB} \quad (4)$$

که در این رابطه: BI نسبت استقلال هیئت‌مدیره، NED اعضای غیرموظف و TB کل اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۶).

چرخه عمر شرکت: در این پژوهش براساس روش شناسی پارک و چن (۲۰۰۶)، شرکت‌ها به کمک چهار متغیر رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت به سه مرحله رشد، بلوغ و افول، به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱. مقدار هر یک از متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن (عمر) شرکت برای هر سال-شرکت محاسبه می‌شود،

۲. سال-شرکت‌ها براساس هر یک از چهار متغیر یاد شده و به کمک پنجک‌های آماری در هر صنعت، در پنج طبقه جای می‌گیرند که با توجه به قرار گرفتن در پنجک (طبقه) مدنظر، براساس نگاره (۱) نمره‌ای بین ۱ تا ۵ به آن‌ها اختصاص داده می‌شود،

۳. برای هر سال-شرکت، نمره‌ای مرکب بدست می‌آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۱۶ و ۲۰ باشد، در مرحله رشد قرار می‌گیرد،

ب) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۹ و ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار می‌گیرد،

ج) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۴ و ۸ باشد، در مرحله افول قرار می‌گیرد.

نگاره (۱): نحوه محاسبه متغیرهای چرخه عمر

نسبت سود تقسیمی (DPR)	مخارج سرمایه‌ای (CE)	رشد فروش (SG)	سن شرکت (AGE)	مراحل چرخه عمر
۵	۱	۱	۵	پنجک یکم
۴	۲	۲	۴	پنجک دوم
۳	۳	۳	۳	پنجک سوم
۳	۴	۴	۲	پنجک چهارم
۳	۵	۵	۱	پنجک پنجم

تعریف عملیاتی متغیرهای فوق به صورت زیر می‌باشد:

$$SG_{it} = [1 - (SALE_{it}/SALE_{it-1})] * 100 \quad (۵)$$

$$DPR_{it} = (DPS_{it}/EPS_{it}) * 100 \quad (۶)$$

$$CE_{it} = (\Delta FA_t / FIV_{it}) * 100 \quad (۷)$$

$$AGE_t = ES_t \quad (۸)$$

$SALE_{it}$ = درآمد فروش شرکت t در سال i

DPS_{it} = سود تقسیمی هر سهم شرکت t در سال i

EPS_{it} = سود هر سهم شرکت t در سال i

FIV_{it} = ارزش بازار شرکت t در سال i

ΔFA = تغییر دارایی‌های ثابت شرکت t در سال i نسبت به سال قبل،

ES_t = سال تأسیس شرکت t .

در پژوهش حاضر، مطابق پژوهش‌های بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۱۱) و گوماریز و بالستا (۲۰۱۴) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده می‌شود:

اندازه شرکت ($SIZE_{i,t}$): لگاریتم طبیعی دارایی‌های ابتدای سال،

فرصت‌های رشد ($MBV_{i,t}$): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام،

اهرم مالی ($LEV_{i,t}$): نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های ابتدای سال،

وجه نقد ($CASH_{i,t}$): وجه نقد تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای سال،

بازده دارایی ($ROA_{i,t}$): نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نیز طبقه‌بندی شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر را به تفکیک مراحل رشد، بلوغ و افول نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید بالاترین انحراف معیار در شرکت‌های در مرحله رشد، بلوغ مربوط به متغیر مالکیت نهادی و در مرحله افول مربوط به فرصت رشد است و پایین‌ترین انحراف معیار مربوط به شرکت‌های در مرحله رشد، بلوغ و افول مربوط به متغیر وجه نقد می‌باشد.

نگاره (۲): آمار توصیفی

متغیرها	تعداد شرکت	مراحل عمر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
اجتناب مالیاتی	۵۷	رشد	۰/۰۵۴۳	۰/۰۰۱۹	۰/۰۶۹۷	۰/۱۸۴	۰/۰۰۰
	۴۳۷	بلوغ	۰/۱۰۵۵	۰/۱۰۰۹	۰/۰۸۷۱	۰/۳۷۳	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۰۸۰۲۶	۰/۰۲۷۰۱	۰/۰۹۷۷۶	۰/۲۶۰۴	۰/۰۳۱۵
	۵۲۰	کل	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۰۰۰۳

متغیرها	تعداد شرکت	مراحل عمر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
بیش اطمینانی مدیریت	۵۷	رشد	۰/۰۲۹	-۰/۰۰۹	۰/۱۸۱	۰/۵۵۳	-۰/۱۸۷
	۴۳۷	بلوغ	-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۴۷	۰/۲۶۲	۱/۱۸۶	-۱/۲۰۴
	۲۶	افول	۰/۰۰۰۵۶۴	-۰/۰۴۳۱	۰/۲۶۳۳	۰/۹۸۴	-۰/۳۶۷
	۵۲۰	کل	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴	۰/۲۴	۰/۹۷	-۰/۸۷
مالکیت نهادی	۵۷	رشد	۷۶/۷۸۷	۸۲/۵	۱۴/۹۹	۹۲/۴	۲۸/۷
	۴۳۷	بلوغ	۷۳/۵۶۱	۷۶/۶	۱۶/۸۷۶	۹۸/۷۱	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۶۶/۴۰۶	۷۰/۲	۲۰/۸۴۶۷	۱/۹۵	۰/۰۰۰
	۵۲۰	کل	۷۲/۹۴	۷۵/۹۹	۱۷/۳۸	۹۸/۷۱	۰/۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	۵۷	رشد	۰/۵۴۱	۰/۶۳۳	۰/۲۸۹	۰/۸۵۷	۰/۰۰۰
	۴۳۷	بلوغ	۰/۵۰۷	۰/۵	۰/۲۶۹	۱	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۴۶۶	۰/۵	۰/۲۵۸	۰/۸۳	۰/۰۰۰
	۵۲۰	کل	۰/۵۱	۰/۵۰	۰/۲۷	۰/۱۷	۰/۸۸
بازده دارایی	۵۷	رشد	۰/۲۵۲	۰/۲۴۱	۰/۱۴	۰/۴۹۱	۰/۰۲۱
	۴۳۷	بلوغ	۰/۱۳۸	۰/۱۲	۰/۱۳۹	۰/۶۲۷	-۰/۲۳۳
	۲۶	افول	۰/۰۱۲۲	۰/۰۱۷۸	۰/۰۹۰۳	۰/۲۳	-۰/۲۴
	۵۲۰	کل	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۶۳	-۰/۲۴
اهرم مالی	۵۷	رشد	۰/۳۶۳	۰/۳۸۵	۰/۲۴۳	۰/۷۷۷	۰/۰۱۳
	۴۳۷	بلوغ	۰/۵۶۳	۰/۲۳۹	۰/۲۰۸	۱/۶۱۳	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۷۲۵	۰/۷۱	۰/۲۶۲	۱/۶۸	۰/۹
	۵۲۰	کل	۰/۵۷۳	۰/۵۷۵	۰/۲۳	۱/۶۸	۰/۰۱
اندازه شرکت	۵۷	رشد	۶/۵۴۹	۶/۲۰۸	۰/۸۴۷	۰/۷۷۷	۰/۰۱۳
	۴۳۷	بلوغ	۶/۱۹۷	۶/۰۴	۰/۶۸۸	۸/۳۰	۴/۷۹
	۲۶	افول	۶/۱۸۴	۶/۰۸	۰/۵۰۵	۷/۳۸	۵/۳۴
	۵۲۰	کل	۶/۲۱	۶/۰۵	۰/۶۸	۸/۳۰	۴/۷۹
وجه نقد	۵۷	رشد	۰/۰۳۹۶	۰/۰۱۵۴۴	۰/۰۵۱۸	۰/۱۹۰۸	۰/۰۰۰۳
	۴۳۷	بلوغ	۰/۰۳۹۳	۰/۰۲۶۰۹	۰/۰۴۳۱	۰/۳۶۷۱	۰/۰۰۰۶
	۲۶	افول	۰/۰۳۱۴	۰/۰۱۶۶	۰/۰۳۳۴	۰/۱۴۵۴	۰/۰۰۰۱
	۵۲۰	کل	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱
فرصت رشد	۵۷	رشد	۳/۰۹۹	۲/۷۲۳	۱/۷۴۷۷	۷/۴۳۴	۰/۹۹۷۵
	۴۳۷	بلوغ	۲/۸۷۹۸	۲/۳۲۶۲	۶/۷۰۴	۱۱۶/۱۹	-۶/۰۰۵
	۲۶	افول	۶/۲۶۰۸	۲/۰۷۹	۲۳/۹۵۹	۱۷۹/۹۹۳	-۱۲/۷۹۷۷
	۵۲۰	کل	۳/۲۶	۲/۳۲	۱۰/۰۵	۱۷۹/۹۹	-۶/۰۰۶

ضریب همبستگی شدت رابطه و نیز نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. بنابراین ضریب همبستگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد و همواره بین ۱ و منفی ۱ است. همبستگی بین متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) ارائه گردیده است. نتایج مربوط به همبستگی نشان می‌دهد که همبستگی میان متغیرهای بیش‌اطمینانی مدیریت، مالکان نهادی، بازده دارایی، اندازه شرکت و وجه نقد با متغیر وابسته پژوهش مثبت و همبستگی میان متغیر استقلال هیئت‌مدیره، اهرم مالی و فرصت رشد با متغیر وابسته پژوهش منفی است.

نگاره (۳): نتایج آزمون همبستگی متغیرها

متغیر	اجتناب مالیاتی	بیش‌اطمینانی مدیریت	مالکان نهادی	استقلال هیئت‌مدیره	بازده دارایی	اهرم مالی	اندازه شرکت	وجه نقد	فرصت رشد
اجتناب مالیاتی	۱								
بیش‌اطمینانی مدیریت	۰/۱۳	۱							
مالکان نهادی	۰/۰۴	۰/۱۵	۱						
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۳	۱					
بازده دارایی	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۲	۱				
اهرم مالی	-۰/۰۵	-۰/۰۰۵	۰/۰۹	-۰/۱۱	-۰/۶۳	۱			
اندازه شرکت	۰/۰۸	-۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۹	۱		
وجه نقد	۰/۱۱	۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۱۴	-۰/۱۰	-۰/۱۲	۱	
فرصت رشد	-۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۳	۱

نتایج آزمون فرضیه‌ها

داده‌های این پژوهش به صورت ترکیبی می‌باشد. در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص شود. با توجه به نتایج به دست آمده از نرم افزار استتا که در نگاره (۴) ارائه شده است، مقدار احتمال برای F لیمر عدد ۰/۰۰۰

می‌باشد که این مقدار بیانگر رد فرضیه صفر (کارایی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین مدل پژوهش باید از روش داده‌های پنل استفاده شود. با توجه به پنلی بودن مدل، باید برای تعیین نوع داده‌ها پنلی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده گردید. همانطور که در نگاره (۴) ملاحظه می‌شود، مقدار احتمال این آزمون عدد ۰/۰۰۰ است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی دارد.

نگاره (۴): نتایج آزمون‌های استفاده برای مدل پژوهش

نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون	
لیمر F آزمون	۱۱/۵۸	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	روش پنل
آزمون هاسمن	۲۶/۲۶	۰/۰۰۱	رد فرض صفر	روش اثرات ثابت

یکی دیگر از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود هم‌خطی در بین متغیرهای توضیحی می‌باشد. بدین منظور، نتایج آزمون VIF در نگاره (۵) ارائه گردیده است.

نگاره (۵): نتیجه آزمون VIF برای مدل پژوهش

نام متغیر	تولرانس	عامل تورم واریانس
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۸۸	۱/۱۳
مالکان نهادی	۰/۹۱	۱/۰۹
استقلال هیئت مدیره	۰/۹۶	۱/۰۳
بازده دارایی	۰/۵۰	۱/۹۸
اهرم مالی	۰/۴۷	۲/۱۱
اندازه شرکت	۰/۳۷	۲/۶۶
وجه نقد	۰/۹۰	۱/۱۰
فرصت رشد	۰/۷۱	۱/۳۹

همانطور که در این نگاره ملاحظه می‌شود، مقدار این آماره برای کلیه متغیرهای توضیحی کمتر از ۵ می‌باشد که این موضوع حکایت از عدم وجود هم‌خطی شدید بین متغیرهای توضیحی دارد. در پژوهش حاضر از آزمون دوربین-واتسون جهت تشخیص خود همبستگی مدل استفاده شده است. در صورتی که مقدار این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، استقلال جمله

خطای مدل می تواند پذیرفته شود. علاوه بر این، از آزمون فیشر جهت آزمون معناداری کل مدل استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه اول، دوم و سوم پژوهش به شرح ذیل می باشد:

نگاره (۶): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه اول، دوم و سوم

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۰/۳۷۷	۰/۰۲۶۵	۱۴/۲۱۸	۰/۰۰۰
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۳/۷۹۶	۰/۰۰۰۲
مالکان نهادی	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۳۹	-۹/۶۶۳	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۹	-۰/۱۷۸	۰/۸۵
بازده دارایی ها	۰/۰۳۱	۰/۰۰۳	۸/۲۱۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	-۲/۶۳۸	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۴	-۸/۱۵۲	۰/۰۰۰
وجه نقد	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۵	-۱/۴۲۳	۰/۱۵
فرصت رشد	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۴۲	-۱/۲۶۹	۰/۲۰
ضریب تعیین تعدیل شده R ^۲	۰/۹۷	آماره F	F-Statistic	۲۲۱/۲۳
آماره دوربین-واتسون	۱/۹۸	سطح معناداری	Prob (F-Statistic)	۰/۰۰۰

برای بررسی اعتبار کلی مدل چند متغیره از آماره F استفاده شده است؛ آماره آن برابر ۲۲۱/۲۳ و احتمال آن کمتر از سطح خطای ۱ درصد می باشد، پس می توان گفت این مدل با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. به عبارتی دیگر این مدل از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین با توجه ضریب به تعیین تعدیل شده بدست آمده بر پایه الگو که برابر ۹۷ درصد است، می توان ادعا کرد مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش ۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند، علاوه بر اینبا توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۹۸ است، می توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده های مدل وجود ندارد.

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از پرداخت مالیات پرداخته شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۶) از تخمین مدل و ضریب بیش اطمینانی مدیریت (۰/۰۱۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰۲) می توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بیش اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید است. در رابطه با مالکیت نهادی، می توان بیان نمود که

سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵ درصد بوده و این مقدار نشان‌دهنده این موضوع است که متغیر مزبور از لحاظ آماری با متغیر اجتناب از پرداخت مالیات (متغیر وابسته) رابطه معناداری دارد. با توجه به علامت ضریب مذکور (۰/۰۰۰۳-) نیز چنین می‌توان استدلال نمود که این متغیر با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد. بنابراین، شرکت‌هایی که سطح بالاتری از مالکیت نهادی را تجربه می‌کنند، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری خواهند داشت و فرضیه دوم تأیید خواهد شد.

در رابطه با متغیرهای کنترلی می‌توان بیان نمود که از بین پنج متغیر (وجه نقد، اهرم مالی، فرصت رشد، بازده دارایی و اندازه شرکت) متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی و اندازه شرکت با متغیر اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری دارند. همانطور که اشاره گردید، فرضیه سوم پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است که بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری است یا خیر؟ با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۶) از تخمین مدل و ضریب استقلال هیئت‌مدیره (۰/۰۰۱-) و سطح معناداری (۰/۸۵) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، استقلال هیئت‌مدیره رابطه معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات ندارد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

نگاره (۷). نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه چهارم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۲۲	۰/۷۴	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۱۳
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۰۴۶	۰/۰۴	۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۶۹	۰/۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۲۲۹	۰/۶۰	-۰/۰۵۸	۰/۲۵	-۰/۳۷۸	۰/۰۰
اهرم مالی	۰/۲۶۷	۰/۴۰	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۰	۰/۱۹
اندازه شرکت	-۰/۰۲۱	۰/۸۱	-۰/۰۰۶	۰/۱۰	-۰/۰۲۹	۰/۰۰۰
وجه نقد	-۰/۲۸۵	۰/۵۴	-۰/۰۳۰	۰/۶۵	۰/۸۲۹	۰/۰۰۰
فرصت رشد	۰/۰۲۰	۰/۲۳	۰/۰۰۲۴۲	۰/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۰۴
آماره F	۳/۵۰		۳/۹۲		۴/۶۶	
سطح معناداری	۰/۰۴		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده R ^۲	۰/۸۰		۰/۵۴		۰/۹۰	
آماره دورین-واتسون	۱/۶۰		۱/۹۸		۲/۳۱	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۱/۷۵۵		مرحله رشد و افول: ۲/۰۱۹		مرحله بلوغ و افول: ۱/۳۴۲	

فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش در نگاره (۷) آورده شده است. نتایج نگاره (۷) نشان می‌دهد که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، بدین معنا که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات شرکت‌های حاضر در مرحله رشد، بلوغ و افول ارتباط مثبت برقرار می‌باشد. به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترونوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری (۲/۰۱۹) وجود دارد و می‌توان بیان نمود که چرخه عمر بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات تأثیر گذار است و شدت این رابطه بین مراحل رشد و افول متفاوت از هم می‌باشد و در نتیجه فرضیه چهارم تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۸۰، ۵۴ و ۹۰ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۷) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دوربین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

نگاره (۸): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه پنجم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۳۱۳	۰/۰۴۸	۰/۱۹۰	۰/۰۰۶	۰/۱۳۱	۰/۴۴۰
مالکان نهادی	-۰/۰۰۱۶	۰/۰۳۵	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۷
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۲	۰/۰۲۲	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۸۳۶
اهرم مالی	۰/۰۲۸	۰/۶۴۶	-۰/۰۴۴	۰/۰۲۵	۰/۰۶۷	۰/۲۶۶
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴	۰/۰۷۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۶۳	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۹
وجه نقد	۰/۸۱۶	۰/۰۰۴	۰/۰۴۷	۰/۳۷۲	-۰/۰۰۱	۰/۹۹۳
فرصت رشد	۰/۰۵۸	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۴۳۵
آماره F	۱۰/۲۵۶		۸/۴۰۷		۴/۲۹۴	
سطح معناداری	۰/۰۴		۰/۰۰۰		۰/۰۰۶	
ضریب تعیین تعدیل شده R ^۲	۰/۶۹۴		۰/۵۰۲		۰/۷۳۲	
آماره دوربین-واتسون	۱/۷۷۸		۱/۹۳۴		۱/۸۰۲	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۲/۰۰۱		مرحله رشد و افول: ۰/۷۵۶		مرحله بلوغ و افول: ۱/۰۴۵	

فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش در نگاره (۸) آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، بدین معنا که بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های حاضر در مرحله رشد، بلوغ و افول ارتباط مثبت برقرار می‌باشد. به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترونوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری (۰/۷۵۶) وجود دارد و می‌توان بیان نمود که چرخه عمر بر رابطه بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات تأثیر گذار است و شدت این رابطه بین مراحل رشد و افول متفاوت از هم می‌باشد و در نتیجه فرضیه پنجم تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۶۹، ۵۰ و ۷۳ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۸) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دوربین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

نگاره (۹): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه ششم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۳۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۱۴	۰/۰۰۲	۰/۱۴۴	۰/۳۶۹
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۱۵	۰/۸۶	۰/۰۰۵	۰/۴۴	۰/۰۳۶	۰/۱۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۲۵	۰/۰۰۴	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۸۶۷
اهرم مالی	-۰/۰۲۶	۰/۶۵۸	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۹	۰/۰۷۰	۰/۲۴۰
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۵	-۰/۰۱۲	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۲	۰/۳۵۰
وجه نقد	۰/۸۲۳	۰/۰۰۲	۰/۰۵۹	۰/۲۶۵	۰/۰۰۷	۰/۹۵۸
فرصت رشد	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۴۳۹
آماره F	۱۲/۶۹۲		۹/۷۱۲		۴/۰۰۳	
سطح معناداری	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۳	
ضریب تعیین تعدیل شده R ^۲	۰/۴۵۸		۰/۶۲۴		۰/۴۰۲	
آماره دوربین-واتسون	۱/۸۶۹		۱/۸۱۳		۱/۷۸۰	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۱/۵۷۲		مرحله رشد و افول: ۱/۲۸۷		مرحله بلوغ و افول: ۱/۴۳۴	

فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه ششم پژوهش در نگاره (۹) آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری بالای ۵ درصد، بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترنوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری وجود ندارد که بیانگر فرضیه ششم می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۴۵، ۶۲ و ۴۰ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۹) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دوربین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین برخی مکانیزم‌های نظام راهبری و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا ۱۰۴ شرکت با روش نمونه‌گیری حذفی برای دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ انتخاب گردید. شرکت‌های مورد بررسی ابتدا با الگوی روش‌شناسی پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول تقسیم گردیدند و سپس آزمون فرضیه‌های پژوهش برای هر مرحله به صورت مجزا صورت پذیرفت. نتایج فرضیه اول نشان داد بیش‌اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارد و سبب کاهش هزینه مالیات می‌شود. به بیان دیگر، از آنجا که مدیران بیش‌اطمینان بازده ناشی از سرمایه‌گذاری را در طرح‌های مالیاتی بیش از حد تخمین می‌زنند (هزینه‌های تحمیل شده طرح‌های سرمایه‌گذاری را کمتر از حد تخمین می‌زنند)، در طرح‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این طریق به صرفه‌جویی در هزینه مالیاتی می‌پردازند. این موضوع با یافته‌های چایز و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. نتایج فرضیه دوم نشان داد با مالکیت نهادی با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد، بدین معنا شرکت‌هایی که سطح بالاتری از مالکیت

نهادی را تجربه می‌کنند، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری خواهند داشت. بنابراین می‌توان گفت سرمایه‌گذاران نهادی، با نظارت کارآمد خود محرک‌هایی برای بهبود عملکرد دارند و توان تنبیه مدیرانی که در جهت منافعشان حرکت نمی‌کنند را نیز دارا می‌باشند، همچنین مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر دارد. پس با افزایش این شاخص از اجتناب از پرداخت مالیات کاسته خواهد شد. این موضوع با یافته‌های ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۴)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی و مخالف پژوهش با درست‌چر و همکاران (۲۰۱۳)، مشایخی و همکاران (۱۳۹۴) و باباجانی و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد. فرضیه سوم پژوهش حاکی از این است که استقلال هیئت‌مدیره رابطه معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات ندارد، بنابراین به نظر می‌رسد افزایش تعداد مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره، برخلاف انتظار زمینه‌های کاهش ریسک و افزایش منافع ذینفعان را فراهم نمی‌آورد. عدم تخصص و دانش کافی مدیران غیرموظف، عدم اعتقاد به شایسته‌سالاری باعث گردید که نقش مدیران غیرموظف در اداره امور شرکت و نظارت بر مدیران موظف در شرکت‌های ایرانی فقط در حد یک نام باقی مانده است و یا این که عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره چند شرکت، ممکن است باعث کاهش اثربخشی آن‌ها شود. این موضوع با یافته‌های مشایخی و همکاران (۱۳۹۴)، باباجانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی و مخالف پژوهش ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۴) است. نتایج فرضیه چهارم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات تأثیر دارد و میزان این رابطه در مراحل چرخه عمر متفاوت است. در این رابطه می‌توان این گونه نتیجه گرفت که با توجه به این که مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سود و جریان نقدی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند، بنابراین اجتناب از پرداخت مالیات با هدف کاهش هزینه‌ها توسط این افراد امری بدیهی و قابل پیش‌بینی است. نتایج فرضیه پنجم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات تأثیر دارد و میزان این رابطه در مراحل چرخه عمر متفاوت است. این نتایج ناشی از این موضوع است که شرکت‌های در مرحله بلوغ و افول، در مقایسه با شرکت‌های که در مرحله رشد، بیشتر در معرض رسیدگی و بررسی عموم و دولت هستند. این شرکت‌ها، بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را به عهده دارند و در اداره امور خود از امکانات مالی و انسانی بسیار گسترده‌ای استفاده می‌کنند

که ناگزیر آن‌ها را با دولت، بانک‌ها، سرمایه‌گذاران، فروشنندگان مواد اولیه، مشتریان و سایر گروه‌ها در ارتباط مستقیم قرار می‌دهد. این امر موجب تشدید تمایل گروه‌های مزبور به دریافت اطلاعاتی در مورد وضعیت و عملکرد جاری و آتی این شرکت‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها می‌گردد. در نهایت نتایج فرضیه ششم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی تأثیر ندارد، به این دلیل که بین سطح معناداری و ضرایب رگرسیونی متغیر استقلال هیئت‌مدیره در مراحل چرخه عمر تفاوت معناداری وجود ندارد. در مطابق دیدگاه آنتونی و رامش (۱۹۹۲) شرکت‌ها زمانی که از مرحله رشد وارد مراحل بلوغ و افول می‌شوند با عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بالایی روبرو می‌شوند، بنابراین، مطابق شواهد بدست آمده به نظر می‌رسد مکانیزم ترکیب اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دلیل عدم نظارت بر اعضای موظف، نتوانند تضاد منافع به وجود آمده را بویژه در مراحل بلوغ و افول کاهش داده و در نتیجه باعث کاهش اجتناب از پرداخت مالیات نمی‌شوند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه نمود:

بر اساس نتایج پژوهش به قانون‌گذاران و صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش احتمال انحراف در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران و میزان پایبندی آن‌ها در اجرای استانداردها و اصول حسابداری توجه کنند. در این راستا بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیرگذار باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش نظارتی که اعضای غیرموظف می‌توانند داشته باشند، در انتخاب آنان و داشتن تخصص کافی این اعضا توجه بیشتری داشته باشند تا به جای ادای وظیفه نظارتی، بی‌تأثیر در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد واحد تجاری نباشند. شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران گزارش‌ها و اطلاعات لازم در خصوص مراحل چرخه عمر سازمانی شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران را جهت کمک به تصمیم‌گیری تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان منتشر نماید.

همچنین سازمان‌های قانون‌گذار (چون سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی) برای پیش‌گیری از مخاطرات ناشی از خودشیفتگی مدیران و کمک به سرمایه‌گذاران برای گرفتن تصمیم‌گیری بهینه، می‌توانند با انتشار دستورالعمل‌های مرتبط، شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم به ارائه صورت عملکرد مالی میان‌دوره‌ای کنند.

رابطه چرخه عمر شرکت در معاملات با اشخاص وابسته و راهبردهای مدیریتی بر اجتناب از پرداخت مالیات مورد بررسی قرار گیرد.

انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به منظور کنترل تأثیر صنعت و همچنین آثار تعدیلی متغیرهای دیگر مانند جنسیت، تجربه و تحصیلات مدیران را بر رابطه فوق،

از آنجایی که متغیر بیش اطمینانی مدیریت به ویژگی‌های شخصیتی افراد بستگی دارد، لازم است دوره زمانی مورد بررسی در حد امکان کوتاه باشد. در این صورت جابه‌جایی اعضای هیئت‌مدیره و مدیران سازمان، نتایج بهتر و قابل اتکاتری به دست می‌دهد. یکی از مشکلات دوره زمانی کوتاه‌تر، کاهش تعداد مشاهدات (سال-شرکت) است،

تغییر در مخارج سرمایه‌ایی به دلیل انجام طرح‌های توسعه واحدهای تجاری در مراحل مختلف چرخه عمر، می‌تواند باعث متفاوت شدن نتایج گردد و صنایع مختلف دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند که باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند،

عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، عمر شرکت‌ها، قوانین و مقررات و نوع صنعت و... خارج از دسترس پژوهشگر بوده، ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. همچنین به واسطه غیربهره‌وری بودن شرکت‌های در مرحله ظهور، از کاربرد این دسته از شرکت‌ها در ارزیابی چرخه عمر چشم پوشی شده است، لذا پژوهشگران در کاربرد نتایج این پژوهش به اثرات محدودیت‌های مذکور توجه کافی نموده و احتیاط لازم را نمایند.

منابع

- باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۳)، ۸۶-۶۵.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن؛ امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴ (۵۲)، ۸۵-۶۹.
- حبیب‌زاده زرنندی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و ترکیب هیئت‌مدیره بر سیاست بدهی شرکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باهنر کرمان.
- حسنی، محسن. (۱۳۹۶). شناخت تأثیر نسبت استقلال هیئت‌مدیره بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری، ۷ (۲)، ۱۹-۱.
- خدای پور، احمد؛ امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه. پژوهشنامه مالیات، ۲۱ (۱۹)، ۱۵۶-۱۳۵.
- دهدار، فرهاد. (۱۳۸۶). طراحی و تبیین الگوهای برتر ارزش‌گذاری مبتنی بر عایدات حسابداری و جریان وجوه نقد در فرآیند چرخه عمر شرکت. رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ بیات، فاطمه. (۱۳۹۴). رابطه بین ویژگی‌های مالی شرکت و ساختار سرمایه در مراحل چرخه عمر شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷ (۲۷)، ۲۱-۱.
- سعیدی، پرویز؛ کلامی، عبدالحکیم. (۱۳۸۸). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی. پژوهشنامه مالیات، ۱۶ (۳)، ۱۹۸-۱۶۹.
- فخاری، حسین؛ طاهری، عصمت‌السادات. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۴)، ۱۷۲-۱۵۹.
- فروغی، داریوش؛ نخبه‌فلاح، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶ (۱)، ۴۴-۲۷.
- عباس‌زاده، محمدرضا؛ فدائی، مرتضی؛ مفتونیان، محسن؛ بابایی کلاریجانی، مانده. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). اقتصاد مالی، ۱۰ (۳۵)، ۷۴-۴۵.

- عربصالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۸۵-۱۰۴.
- مرادی، محمد؛ محقق، فاطمه. (۱۳۹۶). رقابت بازار محصول و حق‌الزحمه حسابرسی: با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷ (۲۶)، ۳۳-۵۲.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۸۳-۱۰۳.
- مهرانی، ساسان؛ طاهری، منصور. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش‌بینی سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷ (۲۶)، ۱۴۷-۱۶۳.
- نصیرزاده، فرزانه؛ عباس زاده، محمدرضا؛ ذوالفقار آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر ریسک سقوط قیمت سهام. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹ (۳۴)، ۳۵-۷۰.
- Abbaszadeh, M. R. , Fadaei, M. , Maftounian, M & Babaei Kelarijani, M. (2016). An Investigation of Financial Transparency and Tax Avoidance based on Institutional Ownership (The Case Tehran Stoch Exchange Compznies). *Financial Economics and Development*, 10 (35) , 45-74. (In Persian)
- Abdi, M. , Babajani, J. (2010). Relationship between Corporate Governance and Enterprises Taxable Profit. *Financial Accounting Researches*, 2 (3) , 65-86. (In Persian)
- Ahmed, A. , Duellamann S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1) , 1-30.
- Anthony, J. H. , K. Ramesh. (1992). Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices: A Test of 18 the Life-Cycle Hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 15 (2-3) , 203-227.
- Arabsalehi, M. , Hashemi, M. (2015). The Effect of Managerial Overconfidence on Tax Avoidance. *Journal of the Accounting and Auditing Review*, 22 (1) , 85-104. (In Persian)
- Atwood, T. , Drake, M. S. , & Myers, L. A. (2010). Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1) , 111-125.
- Badertscher, B. A. , Katz, S. P. , & Rego, S. O. (2013). The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56 (2-3) , 228-250.
- Ben-David, I. , Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration. *Working paper*, Duke University.

- Biddle, G. , Hilary, G. & Verdi, R. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3) , 112–131.
- Bird, R. M. (1992). Tax Policy and Economic Development: Johns Hopkins University Press.
- Bushee, B. (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. *The Accounting Review*, 7 (3) , 305-333.
- Chen, S. , Chen, X. , Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are Family Firms more Tax Aggressive than Non-Family Firms? *Journal of Financial Economics*, 91 (1) , 41-61.
- Chen, F. , Hope, O. K. , Li, Q. & Wang, X. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency of Private Firms in Emerging Markets. *The Accounting Review*, 86 (4) , 1255–1288.
- Chyz, J. , Gaertner, F. , Kausar, A & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- Crabtree, A. D. , Kubick, T. R. (2012). Corporate Tax Avoidance and the Timeliness of Annual earnings announcements. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 42 (1) , 51-67.
- Dehdar, F. (2007). Designing and Explaining Precious Patterns of Valuation Based on Accounting Income and Cash Flow in the Company Life Cycle Process. *Phd of Accounting*, Tarbiat Modarres University. (In Persian)
- Desai, H. , Hogan, C. E. , & Wilkins, M. S. (2006). The Reputational Penalty for Aggressive Accounting: Earnings Restatements and Management Turnover. *The Accounting Review*, 81 (1) , 83-112.
- Desai, Mihir. , Dhammika Dharmapala. (2006). Corporate Tax Avoidance and highpowered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79 (1) , 145-179.
- Desai, M. , Dyck, A. , & Zingales, L. (2007). Theft and Taxes. *Journal of Financial Economics*, 84 (3) , 591-623.
- Desai, M. , Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91 (3) , 537-546.
- Dowling, G. R. (2014). The Curious Case of Corporate Tax Avoidance: Is it Socially Irresponsible?. *Journal of Business Ethics*, 124 (1) , 173-184.
- Duellman, S. , Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (2) , 148-165.
- Dyreg, S. D. , Hanlon, M. , & Maydew, E. L. (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *Working Paper*.
- Fakhari, H. , Taheri, E. (2011). The Study of Relationship between Institutional Investors and Stock Returns Volatility. *Financial Accounting Researches*, 2 (4) , 159-172. (In Persian)

- Foroghi, D. , Nokhbe Fallah, Z. (2014). The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism. *Financial Accounting Researches*, 6 (1) , 27-44. (In Persian)
- Gomariz, M. F. C. , Ballesta, J. P. C. (2014). Financial Reporting Quality, Debt Maturity and Investment Efficiency. *Journal of Banking & Finance*, 40 (3) , 494-506.
- Guenther, D. A. , Matsunaga, S. R. , & Williams, B. M. (2014). Tax Avoidance, Tax Risk and Firm Risk. Available at <http://ssrn.com/abstract=2153187>
- Habibzadeh Zarandi, M. (2014). Investigating the Impact of Avoidance of Taxes and the Combination of the Board on Company Debt Consolidation Policy. Master's Thesis, Bahonar University of Kerman. (In Persian)
- Hambrick, D. , Mason, P. (1984). Upper Echelons: the Organization as a Reflection of its Top Managers. *Academy of Management Review*, 9 (2) , 193-206.
- Hanlon, M. , S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3) , 127-178.
- Hassani, M. (2017). Identifying Effect of Independence of the Board of Directors on Earnings Quality among the Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 7 (2) , 1-20. (In Persian)
- Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31 (2) , 33-45.
- Kanagaretnam, K. , Lee, J. , Lim, C. Y. , & Lobo, G. J. (2013). Societal Trust and Corporate Tax Avoidance. WWW. SSRN. COM.
- Kim, J. , Li, Y. , & Zhang, L. (2010). Corporate Tax Avoidance and Stock Price CrashRisk: Firm-Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100 (3) , 639-662.
- Khodamipour, A. , Amininia, Meisan. (2013). an Investigation into the Relationship between Tax Avoidance and Cost of Debt and the Effect of Institutional Ownership on this Relationship. *Journal of Tax Research*, 21 (19) , 135-155. (In Persian)
- Malmendier, U. , Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6) , 661-700.
- Mashayekhi, B. , Seyyedi, S. J. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance. *Journal of Accounting Knowledge*, 6 (20) , 83-103. (In Persian)
- Merani, S. , Taheri, Mansour. (2017). Managerial Overconfidence and Earning Forecast Errors. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 7 (26) , 147-164. (In Persian)

- Minnick, K. , Noga, T. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management. *Journal of Corporate Finance*, 16 (5) , 703-718.
- Mirabdollahi, F. , Rahimian, N & Rezaei, F. (2014). Relationship Between Ownership Structure And Financial Performance Listed in Tehran Securities Exchange. *Journal of Financial Management Strategy*, 1 (3) , 65-88. (In Persian)
- Moradi, M. , mohaghegh f. (2017). Corporate Governance and the Relation between Product Market Competition and Audit Fees. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 7 (26) , 33-52. (In Persian)
- Nasirzadeh, F. , Abbaszadeh, M. R & ZolfagharArani, M. R. (2017). Examining the Impact of Overconfidence of Managers and Resulting Information Asymmetry on Risk of Stock Prices. *Quarterly Financial Accounting*, 9 (34) , 35-70. (In Persian)
- Park, Y. , Chen, K. (2006). The Effect of Accounting Conservatism and Lifecycle Stages on Firm Valuation. *Journal of Applied Business Research*, 22 (3) , 75-92.
- Pour-heidari, O. , Fadavi, M. H & Amini-nia, M. (2014). An Investigation on the Effect of Tax Avoidance on the Transparency of Financial Reporting Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Economics Research*, 14 (52) , 69-85. (In Persian)
- Rego, S. , Wilson. R. (2012). Equity Risk Incentives and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50 (3) , 775-809.
- Richardson, G. , Lanis, R. , & Leung, S. C. M. (2014). Corporate Tax Aggressiveness, Outside Directors, and Debt Policy: An Empirical Analysis. *Journal of Corporate Finance*, 25, 107-121.
- Saidi, P. , Kalami, Abdolhakim. (2009). the Impact of the Change of Corporate Income Tax. *Journal of Tax Research*, 16 (3) , 169-198. (In Persian)
- Sarlak, N. , Faraji, O & Bayat, F. (2015). The Relationship between the Company's Financial Characteristics and Capital Structure in the Company's Life Cycle. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, (7) 27, 1-21. (In Persian)
- Scherand, C. M., Zechman, S. L. (2012). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2) , 311-329.
- Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Bureau of Economic Research*, 57 (4) , 877-899.
- Shleifer, A. , Vishny, R. (1986). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy*, 94 (3) , 88-142.
- Skala, D. (2008). Overconfidence in Psychology and Finance an Interdisciplinary. *Literature Review*, Bank i Kredyt, 4, 33-50.

- Thanatawee, Y. (2011). Life-Cycle Theory and Freecash Flow Hypothesis: Evidence from Dividend Policyin Thailand. *International Journal of Financial Research*, 2 (2) , 52-60.
- Utami, S. and Inanga, E. (2012). The Relationship between Capital Structure and the Life-Cycle of Firms in the Manufacturing Sector of Indonesia. *International Research Journal of Finance and Economics*, 88, 69-91.
- Wan, F. , Huang, D. , Lan, Q. , &Yang, X. (2007). Numerical Simulation for Influence of Overconfidence and Regret Aversion on Return Distribution. *System Engineering Theory & Practice*, 27 (7) , 10-18.
- Wang, Xiaohang. (Tina). 2010. Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. *Working Paper*, University of Nottingham.
- Xu, Bixia. (2007). Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor. *Review of Accounting and Finance*, 6 (2) , 162-175.